

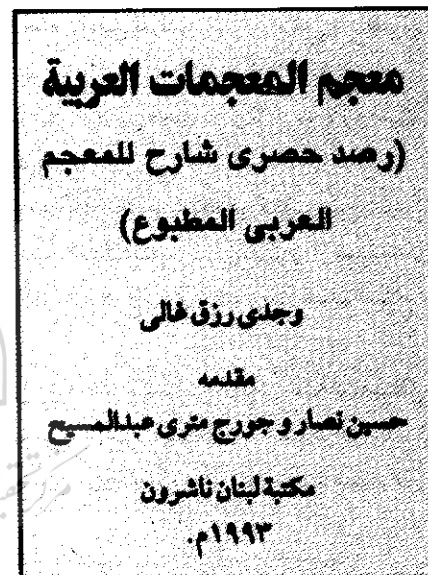
کتابشناسی

فرهنگ های عربی

محمد نوری

زبان و فرهنگ های تخصصی که بیانگر واژه های اصطلاحی یک رشته خاصند، هر دو مهم و قابل توجهند. ایرانیان از دیرباز به فکر تدوین فرهنگ فارسی بوده اند. فرهنگ اسدی یا لغت فرس از اسدی طوسی و صحاح الفرس از شمس الدین محمد هندوشاه نخجوانی (قرن هشتم قمری)^۱، فرهنگ میرزا ابراهیم از میرزا ابراهیم ابن میرزا شاه حسین اصفهانی (قرن دهم قمری) نمونه هایی از فرهنگ عمومی قدیمی در زبان فارسی است.^۲

اما فرهنگ اصطلاحات گویای زبان یک علم است. هر دانشی زبان ویژه خود یعنی واژگان و ترکیبات آن، معنی و مفهوم خاصی را بیان می کند. در تحصیل هر علم و فراگیری هر فن، دانستن زبان آن علم یا فن ضروری است^۳ و چون بخش مهم زبان اصطلاحات است، فرهنگ هایی در هر علم تألیف شده است. از سوی دیگر عملاً هیچ دانشمندی یا هنرمندی بدون استمداد از اصطلاحات نمی تواند مقاصد خود را بیان کند.^۴ عدم آگاهی از اصطلاحات یا استفاده نادرست از آنها در مطالب علمی، تفهیم و تفهیم را غیرممکن می سازد و در برخی موارد موجب نزاع علمی میان دانش پژوهان می گردد. مترجمان نیز تا حدود معنای درست یک اصطلاح را ندانند، در به کار بردن آن و تفهیم مطلب مشکل دارند.^۵



نقد و بررسی کتاب معجم المعجمات العربية (رصد حصری شارح للمعجم العربی المطبوع). وجدی رزق غالی، مقدمه حسین نصار و جورج متری عبدالمسیح. الطبعة الاولى، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۳ م. ص ۲۸۵+

قاموس های اصطلاحی دو گونه اند: اصطلاح نامه- Thesau-rus و فرهنگ اصطلاحات Terminology. اولی به ساختار اصطلاحات یک علم و دومی به اصطلاح شناسی یک علم از طریق ارائه تعریف می پردازد.^۶

اهتمام اندیشمندان بزرگ مسلمان مانند ابو حامد محمد غزالی، ابویوسف کندی، خوارزمی، جابر بن حیان، ابن سینا و

۱. این کتاب به کوشش عبدالعلی طاتی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵) منتشر شده است.
۲. نگاه کنید به مقدمه فرهنگ فارسی محمد معین، ج ۱، صفحه سی و نه-چهل و سه؛ مقدمه سعید نفیسی بر برهان قاطع تصحیح محمد معین (این مقاله در مقدمه لغت نامه دهخدا چاپ جدید ص ۱۳۵-۱۳۹ آمده است).
۳. نگاه کنید به کشاف اصطلاحات الفنون التهانوی، ۱/۱؛ مفاتیح العلوم الخوارزمی، ص ۴.
۴. فرهنگ حقوقی، جعفری لنگرودی، ص ۷.
۵. المعجم الفلسفی، جمیل صلیبا، ص ۱-۳.
۶. برای آشنایی با انواع معجم ها، نگاه کنید به: الدكتور حلمی خلیل، مقدمه لدراسة التراث المعجمی العربی، باب اول.

۱
غنی ترین و کارآمدترین وسیله ارتباط انسان ها زبان و گفتار و در پی آن نوشتار است. مدنیت اجتماعی انسان ها به پیوندهای آنها و از جمله ارتباط کلامی آنها بستگی دارد. ساخت های مختلف انسانی در نوشتار و گفتار یک جامعه منعکس است و از مطالعه زبان لغوی یک ملت، می توان به فرهنگ و تمدن آنها پی برد. لغت نامه ها، قاموس ها و فرهنگ ها آینه تمام نمای فرهنگ بوده و در تسهیل فرایندهای آموزشی و پژوهشی تأثیر فراوان دارند. فرهنگ های عمومی که بیانگر واژه های مستعمل در یک

عبدالرزاق کاشانی به نگارش فرهنگ اصطلاحات گویای اهمیت انگیزه فرهنگ هاست.

۲

نظریه مشهور این است که نخستین لغتنامه عربی کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی^۷ (در گذشته ۱۷۵ هـ. ق) است.^۸ پس از آن ده ها معجم لغت و اصطلاح نوشته شد. از قرن نوزدهم میلادی تحقیق و بررسی های فراوان در کتاب های معجم عربی از سوی مستشرقان به چاپ رسیده است. ماثیو لمسدن القاموس المحيط مجدالدین فیروزآبادی را در سال ۱۸۱۷ م در کلکته، دافید هاینریش مللر کتاب الفرق اصمعی را در وین ۱۸۷۶ م، هوتسما کتاب اضداد انباری را در لیدن ۱۸۸۱ م منتشر کرد غیر از احیاء تراث، مقالات و کتاب های تحلیلی فراوان درباره معاجم منتشر شد. بواکیر المعاجم العربیة حتی عصر الجوهری از فریتس کرانکو در مجله الجمعية الآسیویة الملكية (۱۹۲۴ م)، الخلیل و کتاب العین از برونیخ آلمانی E. Braunlich در مجله اسلامیکا (۱۹۲۶ م)، المعجم العربی نشأته و تطوره از حسین نصار، الصحاح و مدارس المعجمات العربیة از احمد عبدالغفور عطار، المعاجم العربیة از عبدالله درویش، جمهرة المراجع البغدادیة از کورکیس عواد، المباحث اللغویة فی مؤلفات العراقین المحدثین از کورکیس عواد، مصادر الدراسة عن النجف از محمد هادی النجف الامینی، مشکلات فی التألیف اللغوی فی القرن الثانی الهجری از رشید عبدالرحمن العییدی، الدراسات اللغویة بالاندلس از رضا عبدالجلیل الطیار.

از آنجا که حرکت ناسیونالیسم عربی، زبان عربی را ارج می نهاد، از هنگام شروع این حرکت، اهتمام به معجم های لغوی و اصطلاحی نضج ویژه ای یافت و بسیار فعال شد. از این روده ها مقاله و کتاب در این زمینه منتشر شده است. اطلاع رسانی درباره معجم ها یکی از این فعالیت ها بوده است. مقایسه فرایند پژوهش های مربوط به معجم های عربی و تحقیقات مربوط به فرهنگ های لغوی و اصطلاحی فارسی در دو قرن اخیر گویایی بسیاری نکات است.^۹

۳

نویسنده معجم المعجمات العربیة متولد قاهره و فارغ التحصیل دانشکده ادبیات، گروه کتابخانه و اسناد دانشگاه قاهره در سال ۱۹۶۴ م است. به دلیل مسؤولیت های نویسنده در دارالکتب المصریة و بخش معاجم کتابخانه لبنان در قاهره و تألیف یازده عنوان کتاب در زمینه معاجم و فرهنگ ها، به عنوان یکی از

متخصصان زبده در زمینه مرجع شناسی در جهان عرب شناخته شده است. نویسنده در سال ۱۹۷۱ م کتاب المعجمات العربیة بیلوگرافیة شاملة مشروحة را به چاپ سپرد و بیست و دو سال بعد با مطالعه گسترده تر و عمیق تر، این اثر یعنی معجم المعجمات العربیة را به صورت کامل تر و دقیق تر به جامعه علمی ارائه نمود. این اثر کارنامه اکثر واژه نامه هایی است که در فرهنگ عربی در سال های ۱۵۰۵ تا ۱۹۹۳ تألیف شده است، البته نسخه های خطی و مقالات و واژه نامه هایی را که در پایان برخی کتاب ها آمده، در بر نمی گیرد. در مورد کتاب ها نیز ادعای حصر و استقرای کامل ندارد، ولی معتقد است اطلاعات اکثر معاجم را آورده است.

ذیل هر معجم، مشخصات کتابشناختی، توصیف و معادل لاتین آن آمده است. توصیف ها کوتاه، ولی مشتمل بر نکات مفید است.

این اثر دارای سه بخش معجم های عمومی عربی یک زبانی، معجم های عمومی عربی چند زبانه و معجم های تخصصی و موضوعی است و در مجموع ۱۴۶۳ معجم معرفی شده است. در پایان فهرستواره های الفبایی عناوین، مؤلفین، موضوعات و فهرست تاریخی معجم ها آمده است. ذیل بخش اول، معجم ها در پنج موضوع طبقه بندی شده اند: معاجم مفردات اللغة، معاجم الاضداد، معاجم المترادفات، معاجم الالفاظ العامیة والدخيلة واللهجات، معاجم المعانی.

بخش دوم (معجم هایی که زبان مقصد یا مبدأ آنها عربی است) معجم ها را به بیست و هفت دسته بر حسب نوع زبان

۷. به نظر سید حسن صدر در تأسیس الشیعة لعلوم الاسلامی خلیل از اصحاب امام صادق (ع) و شیعه دوازده امامی است (ص ۱۴۹)، همچنین برای اهمیت این اثر نگاه کنید به مقدمه مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی (قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق).

۸. «تاریخ اجمالی لغت نویسی در زبان عربی» سعید نفیسی. مقدمه برهان قاطع چاپ محمد معین؛ مقدمه لغت نامه دهخدا (چاپ جدید)، ص ۱۷۵.

۹. مقاله های «فرهنگهای فارسی» از سعید نفیسی؛ «کتابشناسی فرهنگ های فارسی-اروپایی» از ایرج افشار در مقدمه لغت نامه دهخدا (چاپ جدید)، مقدمه محمد معین بر فرهنگ فارسی جلد اول، صفحه سی و نه تا چهل و سه، «شناختی از فرهنگ نگاری دری در سده های ۱۰-۱۵ میلادی» از واحدوف، مشتی از خروار و منابع خوبی برای این تحقیق اند.

طبقه بندی کرده است.

بخش سوم، معجم های تخصصی را در ۱۲۸ علم یا موضوع به ترتیب الفباء طبقه بندی کرده است. دانش هایی مانند اخلاق، فلسفه و فقه و موضوع هایی همچون نفت، بانکداری، بیمه، حج و اسلام در کنار هم آمده اند و واژه نامه های مربوط به هر یک ذیل آنها فهرست شده اند.

۴

این کتاب با اینکه بهترین اثر در نوع خود است، ولی نواقص فراوان دارد. از جمله لازم بود نویسنده مقدمه تحلیلی جامع بویژه در تحلیل تاریخچه معجم نگاری و کتابشناسی معاجم و ضرورت این فن می آورد. البته مقدمه نویسنده و دو مقدمه دکتر جورج متری عبدالمسیح و حسین نصار که از مرجع شناسان جهان عربند، خالی از نکات مفید نیست.

مؤلف در بعضی موارد همه اطلاعات چاپ ها را نیاورده است؛ برای نمونه کتاب المبین فی شرح معانی الفاظ الحكماء و المتکلمین از سیف الدین آمدی (مدخل ۱۱۵۸) سه تحقیق و چاپ دارد: از حسن محمود الشافعی، از عبدالامیر الاعسم (بغداد، ۱۹۸۴م) و از کوتش و اغناطیوس عبده خلیفه (مجلة الشرق، ۴۸، ۱۹۵۴). نویسنده تنها چاپ اول را آورده است، نیز معجم مقایس اللغة (مدخل ۹) در ایران (قم، اسماعیلیان) افست شده است. چاپ دیگر العین (تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی) نیامده است.

کتاب ثلاثة كتب فی الاضداد فقط چاپ ۱۹۱۲ آن آمده و چاپ ۱۹۸۶ نیامده است. در همین مورد، این کتاب دارای مقدمه آلمانی مصحح و عنوان معادل است که در بخش توصیف، توضیحی ارائه نشده است.

با اینکه قلمرو زبانی این اثر عربی است، ولی بعضی معجم های منتشر شده در ایران در این مجموعه نیامده است؛ از جمله: شرح المصطلحات الفلسفیه تهیه شده در گروه کلام بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۴۱۴ق؛ معجم العناوین الکلامیه و الفلسفیه، تهیه شده در گروه کلام و فلسفه بنیاد پژوهش های اسلامی مشهد، ۱۴۱۵ق؛ شرح المصطلحات الکلامیه، تهیه شده در گروه کلام بنیاد پژوهش های اسلامی مشهد، ۱۴۱۵ق.

با اینکه کتاب فرهنگ علوم نقلی و ادبی سید جعفر سجادی در بخش معاجم عربی-فارسی (ص ۸۸) آمده است، ولی کتاب های دیگر ایشان، یعنی مصطلحات فلسفی صدرالدین شیرازی، فرهنگ معارف اسلامی و فرهنگ علوم فلسفی در همان بخش یا

بخش معاجم تخصصی فلسفه نیامده اند.

در بخش معجم های قرآنی با این که قاموس های مهم را معرفی کرده ولی قاموس قرآن سید علی اکبر قرشی و دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن محمد باقر محقق، نه در این بخش و نه در بخش معاجم عربی-فارسی نیامده است.

البته ذیل مدخل السامی فی الاسامی میدانی (مدخل ۴۸۶) چاپ سنگی تهران آمده است. همچنین در برخی موارد دیگر چاپ های ایرانی را آورده است.

به هر حال اطلاع رسانی این اثر در زمینه کتاب هایی که در ایران تألیف و نشر یافته ضعیف است. اصطلاح واره های مهمی به زبان عربی در فلسفه و کلام نوشته اند که بعضاً امهات فرهنگ فلسفی اسلام محسوب می شوند و در این کتاب معرفی نشده اند، مانند:

سید مرتضی (در گذشته ۴۳۶ق) رساله ای به نام الحدود و الحقائق در شرح یکصد و سی اصطلاح کلامی دارد که در مجموعه الذکری الالفیه للشیخ الطوسی منتشر شده است؛ شیخ طوسی (در گذشته ۴۶۰ق) در رساله به نام های شرح العبارات المصطلحه و المقدمة فی المدخل الی علم الکلام دارد و در آن دو رساله مجموعاً حدود دویست و پنجاه و سه اصطلاح کلامی شرح داده شده است؛^{۱۰} کتاب های الحدود و الرسوم از کندی، الحدود از جابر بن حیان، الحدود الفلسفیه از خوارزمی، الحدود از ابن سینا با اینکه چاپ های مختلف دارد، در این مجموعه نیامده است. بعضی از این معاجم جدید نیز نیامده اند:

با این که کتاب محیط المحيط بطرس البستانی معرفی شده ولی کتاب دیگر همین نویسنده: قطر المحيط که در سال ۱۸۶۹م منتشر شده، معرفی شده است. کتاب متن اللغة تألیف احمد رضا در بین سال های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰م در پنج جلد منتشر شده، نیامده است.

معجم دیانات و اساطیر العالم نوشته امام عبدالفتاح امام که در قاهره در سال ۱۹۹۵م منتشر شد؛ از جمله معجم مهم در زمینه اصطلاحات دینی است؛ القاموس السیاسی از احمد عطیه (قاهره...، ۱۹۶۸)؛ القاموس الفقهی از حسین عبدالله مرعی (بیروت، ۱۹۹۲)؛ معجم المصطلحات الصوفیه به کوشش جورج

۱۰. نگاه کنید به شرح المصطلحات الکلامیه، گروه کلام بنیاد پژوهش های اسلامی صفحه ص رساله المقدمة فی المدخل الی علم الکلام در الرسائل العشر به کوشش محمد واعظ زاده آمده است.

متری عبدالمسیح (بیروت، ۱۹۹۳)؛ مذاهب و مصطلحات فلسفیه از محمد جواد مغنیه (بیروت، بی تا).

برخی معجم های عربی-فارسی از قلم نویسنده اقتاده است؛ مانند: **ملخص اللغات**،^{۱۱} **تاج الاسامی (تهذیب الاسماء)**،^{۱۲} **فرهنگ نوین عربی-فارسی**،^{۱۳} **فرهنگ صریح به فارسی**،^{۱۴} **فرهنگ بیان عربی-فارسی و فارسی جدید**،^{۱۵} **مجمع اللغات فرهنگ مصطلحات**.^{۱۶}

برخی از معاجم لغوی مانند **الفصحی ثعلب** در پاریس و بیروت چاپ شده^{۱۷} و در **الفهرست ابن ندیم** ضبط شده است و با اینکه موضوع آن فقه اللغة است و باید در بخش معاجم المعانی می آمد، اما نویسنده آن را معرفی نکرده است.

خوب بود بخش ویژه ای به معرفی کتاب هایی که درباره معجم نگاری های عربی نوشته شده اختصاص می یافت به ویژه که ده ها کتاب در بررسی تاریخ واژه نگاری و تطور فرآیند آن، مکاتب و نحله های واژه نامه نگاری، تحلیل های مقایسه ای و ... وجود دارد^{۱۸} که بی شک راهنمای مفیدی برای اهل پژوهش تواند بود.

نقیصه دیگر این کتاب، عدم ارائه اطلاعات ثانوی هر مدخل است. بسیاری از این معجم ها در کتاب ها یا مقالات نقد و بررسی یا توصیف شده اند. اگر اطلاعات کتابشناسی آنها ذیل هر معجم می آمد، راهنمای بسیار مفیدی برای اهل تحقیق بود. از باب مثال کتاب **ثلاثة كتب فی الاضداد از اصمعی و سجستانی و ابن سکیت** در مدخل ۱۱۳ آمده است، ولی مقاله بسیار مهمی در مجله **المکتبه (عراقی)** در نوامبر ۱۹۶۶ با عنوان «کتاب الاضداد للاصمعی لیس للاصمعی» منتشر شده است و اطلاعات مفیدی ارائه می کند. کتاب **العین** را آقای محمد حسن بقائی به نظم قاموسی آورده و با عنوان **ترتیب کتاب العین** منتشر کرده است،^{۱۹} اما آقای غالی اشاره ای به این اثر ندارد.

درباره کتاب **العین** از خلیل بن احمد، پژوهش های فراوان در اروپا و محافل علمی عربی و حتی ایران انجام یافته است.^{۲۰} همچنین در مورد کتاب های **المنجد**، **القاموس المحیط**، **تاج العروس** و **لسان العرب** تحقیقات مفصلی انجام یافته است.^{۲۱}

همچنین بعضی معجم ها به زبان های مختلف ترجمه شده اند یا خلاصه یا تکمیل یا شرح شده اند؛ اگر اطلاعات کتابشناختی مربوط به ترجمه، خلاصه، مکمل و شرح ها ذیل هر مدخل می آمد، بسیار مفید بود. از باب نمونه کتاب **العین** در قرن چهارم قمری توسط ابوبکر زبیدی تلخیص شد. آقای غالی این خلاصه را جداگانه (مدخل ۴۸) ذیل زبیدی آورده است. با اینکه اگر ذیل کتاب **العین** می آورد کامل تر بود.

کتاب **المنجد** در ایران ترجمه هایی به فارسی دارد؛ از جمله **منجد الطلاب** ترجمه محمد بندریگی، **فرهنگ جامع نوین** ترجمه احمد سیاح، **الرائد** ترجمه رضا انزابی نژاد و **المنجد الابدج** ترجمه قاسم بوستانی.

کتاب **المبین فی شرح معانی الفاظ الحكماء و المتکلمین** از **الأمیدی** توسط **عبدالامیر الاعسم** توصیف و تحلیل شده است.^{۲۲} کتاب های **اصطلاحات الصوفیه** **کمال الدین عبدالرزاق القاشانی** (مدخل ۸۱۲) توسط **محمد خواجهوی** و **المعجم الفلسفی** **جمیل صلیبا** (مدخل ۱۱۶۴) توسط **منوچهر صانعی** دره بیدی به فارسی ترجمه شده است.

به هر حال گردآوری و شبکه سازی اطلاعات پراکنده در مورد هر کدام از معجم ها گویایی های فراوان برای پژوهشگران دارد.

اغلاط چاپی در این اثر به چشم می خورد؛ از جمله مدخل

۱۱. از حسن خطیب کرمانی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی و غلامحسین یوسفی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۱۲. این کتاب غیر از تهذیب الاسماء و اللغات نوین است و به کوشش علی اوسط ابراهیمی (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷) منتشر شده است.
۱۳. از سید مصطفی طباطبایی. تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۸۶۵.
۱۴. از سید عبدالرضا علوی، تهران، انتشارات ایران زمین و انتشارات کمانگیر، ۱۳۷۴، ص ۵۴۴.
۱۵. از ولی الله جهانبخش، تهران، انتشارات ممتاز، ۱۳۶۱، ص ۹۶۵.
۱۶. از مرتضی آیت الله زاده شیرازی و آذرتاش آذرنوش، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۷. مقاله «دانش لغت» ابن خلدون ترجمه پروین گنابادی در مقدمه لغت نامه دهخدا (چاپ جدید)، ص ۸.
۱۸. برای نمونه نگاه کنید به (Index Islamicus (1981-1985)، صفحات ۴۷۱ تا ۴۷۸ ذیل عنوان **Lexicology of literary Arabic**.
۱۹. الطبعة الاولى: قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق. ص ۵۴+۱۰۹۷.
۲۰. نگاه کنید به کشف الدوریات العربیة **عبدالجبار عبدالرحمن**، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ آقای سید جعفر شهیدی مقاله ای با عنوان «بشی درباره کتاب العین و مؤلف آن» دارد که در مقدمه لغت نامه دهخدا (چاپ جدید) ص ۱۷۶-۱۸۴ آمده است.
۲۱. مشخصات برخی مقالات تحلیلی درباره این کتابها در کتاب **کشف الدوریات العربیة عبدالجبار عبدالرحمن** (ج ۲، ص ۱۸۱-۱۹۹) ارائه شده است.
۲۲. **المصطلح الفلسفی عند العرب**، ص ۹۵-۱۲۶.



۱۱۵۷ بجای واژه نامه فلسفی به اشتباه و اثره نامه فلسفی چاپ شده است.

۵

در این بخش کتاب آقای غالی را با برخی کتاب های مشابه مقایسه می کنیم تا ضعف و قوت آن بیشتر آشکار شود.

معجم المعاجم از احمد الشرفاوی اقبال^{۲۳} غیر از اینکه برخی از نسخ خطی را معرفی کرده است، نسبت به کتاب غالی، ضعف های بیشتری دارد. اثر اقبال در نه بخش تنظیم شده است و کتب چاپی را همراه با نسخه های خطی معاجم معرفی کرده، نیز محل نگهداری آنها را نوشته و در بسیاری از موارد تحقیقات ارزنده ای بر پایه منابع تاریخی و کتابشناسی ها ارائه و در مجموعه ۱۴۰۷ معجم را معرفی کرده است. می توان گفت در برخی موارد مکمل کتاب غالی است. در مجموعه کتاب غالی با اسلوبی سامان یافته ارائه شده است.

آقای میری عبودی فتوحی از موضع مرجع شناسی، اثری زیر عنوان **تقویم المراجع العربیة والاجنبیة** به چاپ سپرد.^{۲۴} این اثر در یازده فصل به معرفی مهم ترین کتاب های مراجع در حوزه فرهنگ عربی و فرهنگ اروپایی پرداخته است. ذیل هر مدخل توصیف مفیدی آورده است. حجم زیادی از این اثر، معاجم است. چون معجم های لاتین را آورده، مکمل خوبی برای کتاب غالی است.

کتاب های دیگر مرجع شناسی مانند **مدخل لدراسة المراجع** از دکتر عبدالستار الحلوجی^{۲۵} تحلیل مفیدی در زمینه معاجم و از دیگر سو گزیده ای از معجم ها را در بر دارد و ویژگی مهم آنها نسبت به کتاب غالی، تحلیل های آنهاست. همچنین است کتاب **موسوعة المصادر و المراجع** از عبدالرحمن عطیة.

در مقاله بلند «فرهنگنامه های عربی به فارسی» از علینقی منزوی^{۲۶} از قرن پنجم تا قرن سیزدهم، ۱۴۷ فرهنگ معرفی شده است. نویسنده توضیحات مفید ذیل هر مدخل آورده است و مقایسه این مقاله با بخش «عربی-فارسی» کتاب غالی نشان دهنده نکات فراوانی است. آقای منزوی ۱۴۷ فرهنگ عربی-فارسی و آقای غالی ۲۶ اثر را معرفی کرده است؛ هر چند برخی آثار خطی از قلمرو کتاب غالی بیرون است، ولی بسیاری از آثار مطبوع معرفی شده در مقاله منزوی، در کتاب غالی نیامده است.

۶

چون کتاب های مرجع Reference Books نقش مهمی در فرایندهای علمی، فکری، پژوهشی و آموزشی دارند، اندک اندک، موضوعی تحت عنوان مرجع شناسی شکل گرفت.

این رشته به مطالعه در زمینه منابع مرجع می پردازد. یکی از وظایف این رشته ارائه اطلاعات و نقد و بررسی درباره مرجع ها از جمله فرهنگ نامه هاست.

مرجع شناسی در کشورهای اروپایی و پس از آن در کشورهای عربی نسبت به ایران پیشرفت و قدمت بیشتری داشته است.^{۲۷} کتب مرجع در هشت رده دایرة المعارف ها، قاموس ها، سالنامه ها، راهنماها، اطلس ها، کتابشناسی ها، اسناد و فهرستواره ها (کشاف ها) طبقه بندی می شوند. برای شناسایی ابعاد تاریخی، روشی و مقایسه ای هر یک نیاز به مباحث مختلف کارشناسانه وجود دارد که در مرجع شناسی انجام می یابد.

بررسی و نقادی مرجع شناسی در فرهنگ های اروپایی^{۲۸} و عربی، به نوعی دستیابی به تجارب و اطلاعات مفید برای ارتقای این دانش در فرهنگ ایرانی-اسلامی است. یکی از علل ضعف و فتور پژوهش ها در ایران عدم آشنای با منابع موسوعی (مرجع) و یا ناآشنایی به روش استفاده از آنهاست. ویژگی مهم منابع مرجع در اختیار نهادن پرونده اطلاعاتی مربوط به یک موضوع است. محقق با مطالعه پرونده مربوط به موضوع مورد نظرش اولاً به کلیدها و سرنخ ها برای حل شبهات دست می یابد، ثانیاً با منابع و مآخذ آشنا می گردد، ثالثاً با آگاهی نسبت به کارهای دیگر، از تحقیق های تکراری اجتناب می ورزد.

به رغم نقیصه ها و اشکالاتی که نمونه هایی از آنها تذکر داده شد، تلاش آقای وجدی رزق غالی در تدوین **معجم المصطلحات العربیة** قابل تقدیر است و این گونه آثار باید الگوی خوبی برای پژوهشگران مرجع شناس ایرانی باشد.

○

۲۳. الطبعة الاولى، ۱۹۸۷م، الطبعة الثانية: بیروت، دارالغرب، ۱۹۹۳م.

۲۴. مشخصات کتابشناختی این اثر عبارت است از: الکویت، وكالة المطبوعات، بی تا. ۳۶۵ص.

۲۵. القاهرة، ۱۹۹۱م.

۲۶. مقدمه لغت نامه دهخدا (چاپ جدید)، ص ۲۰۲-۲۷۱.

۲۷. اخیراً در زبان فارسی، آثار مفیدی در زمینه مرجع شناسی منتشر شده است؛ از جمله کتاب مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی از غلامرضا ستوده و مرجع شناسی از نورالله مرادی.

۲۸. در فرهنگ اروپایی کتاب ها و مقالات و پایان نامه های فراوان در این موضوع نوشته اند؛ اینک چند نمونه از آنها:

Walford, A. J.: Guide to Refrence material; winchell, Constance: Gudie to Refrence Books; Hutchins, Margaret: Introduction to Reference Work; Roberts, A. D.: Introduction to Reference Books.